

آسیب‌شناسی ماده سوم قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور (مصوب ۸ مرداد ۱۳۸۲)

محمد سلطانیه^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۵

چکیده

به‌کارگیری روش‌های نوین بارداری مسائل زیادی را در زمینه حقوق طرفین به وجود آورده است که بررسی آثار تکلیفی آن، یکی از آنهاست. هدف این پژوهش فهم آثار فقهی تکلیفی اهدای جنین براساس نکرش شیعی و رفع ابهام ماده سوم قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور است. این مطالعه به صورت کتابخانه‌ای و توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر کتب طراز اول فقه شیعه با واکاوی کلیدواژه‌های جنین، اهدا، نفقه، حضانت و ارث در ادله معتبر انجام گرفته است. با توجه به انتساب کودک به صاحبان نطفه، حقوق تکلیفی مثل حضانت، نفقه و ارث بین کودک و صاحبان نطفه برقرار است؛ اما قانون‌گذار در ماده سوم این قانون، «وظایف و تکالیف زوجین اهداگیرنده جنین و طفل متولدشده را از لحاظ نگهداری و نفقه و احترام، نظیر وظایف و تکالیف اولاد، پدر و مادر دانسته است»؛ درحالی‌که کودک منتسب به اهداکنندگان است و به موضوع مهمی مثل توارث اشاره نشده است. بنابراین باید قانون تغییر کند و نحوه تعیین وظایف برای گیرندگان اهدا را تبیین نماید.

کلیدواژه‌ها

اهدای جنین، نفقه، ارث، حضانت، حکم تکلیفی، قانون اهدای جنین، نابارور.

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، خراسان رضوی، ایران.
m.soltanieh@razavi.ac.ir

مقدمه

با تلاش‌های گسترده پزشکان و متخصصان جهت درمان ناباروری، روش‌های جدیدی برای رفع این معضل به دست آمده است که اهدای جنین یکی از این شیوه‌هاست. در این روش، اسپرم و تخمک مرد و زن گرفته و بعد از لقاح در محیط آزمایشگاه و گذشت چند ساعت، جنین به دست می‌آید و جنین حاصل‌شده در مرحله ۸ سلولی یا فراتر از این، جهت رشد طبیعی خود به رحم متقاضی منتقل می‌شود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۴، ص ۴۱). این روش «I.V.F» یعنی باروری در لوله آزمایشگاه نیز نامیده می‌شود که در خصوص جواز یا عدم جواز آن، فقهای شیعه فتاوی‌ی بیان کرده‌اند. حال فارغ از این فتاوا، در این مقاله سعی شده است تا با بررسی منابع فقهی، برای برخی از پرسش‌ها در حوزه آثار تکلیفی اهدای جنین همانند موضوع ارث، نفقه و حضانت، پاسخی روشن داده شود. از آنجا که در نظام آفرینش، هر انسانی دارای حقوقی است، برای انسان متولدشده از طریق اهدای جنین نیز، این حقوق وجود دارد. برای فهم درست وضعیت کودک در هر یک از این آثار تکلیفی، در ابتدا باید گفته شود که نسب کودک به صاحبان اسپرم و تخمک برمی‌گردد و تحلیل رابطه کودک با گیرندگان اهدا، از طرق دیگری مثل ربیبه بودن یا اولویت در رضاع باید بررسی شود. شاید برای رسیدن حقوق جایگزین به چنین کودکی، باید گیرندگان اهدا را الزام به وصیت بخشی از اموال خود به نفع این کودک نمود.

مطالعه حاضر با هدف بررسی و تحلیل آثار تکلیفی اهدای جنین با استناد به دلایل و مستندات فقهی از منظر فقه تشیع انجام شده است تا با نگاه آسیب‌شناسانه، ماده سوم قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور بازنویسی گردد.

مفهوم‌شناسی مصطلحات

۱. نفقه

نفقه در لغت، به معنای هزینه و خرج روزمره است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۴، ص ۲۲۶۴) و در

اصطلاح، عبارت است از مالی که برای ادامه زندگی، صرف مخارج ضروری همسر و فرزندان، خویشاوندان و مانند آنها می‌شود (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۳۱۳) که اعم از خوراک، پوشاک و مسکن است.

۲. حضانت

در لغت از ریشه «حزن» به معنای «در آغوش گرفتن فرزند توسط مادر و چسباندن او به سینه‌اش است (معلوف، ۱۳۸۲، ص ۲۴۷) و در اصطلاح عبارت است از نگهداری مادی و معنوی طفل توسط کسانی که قانون مقرر داشته است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ص ۳۴۲). نگهداری طفل به معنای به کار بردن ابزار لازم جهت بقا، رشد، بهداشت جسمی و روحی طفل، مانند تغذیه، تهیه پوشاک، تربیت، تعلیم و ... است (قانون مدنی، مواد ۱۱۶۸ - ۱۱۷۹).

۳. ارث

ارث در لغت در دو معنای مصدری و اسم مصدری آمده است. در معنای مصدری، به معنای استحقاق داشتن و در معنای اسم مصدری، به معنای ترکه و مالی است که از متوفی به جا مانده است (فیومی، ۱۳۹۶، ص ۶۵۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۵، ص ۲۶۶) و در اصطلاح، استحقاق شخصی بر دارایی دیگری به سبب یا سبب است (عاملی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۱۱).

۱. مرور پیشینه‌ها

در سال‌های اخیر، برای تبیین آثار این شیوه‌های باروری تلاش فراوانی انجام گرفته است که حاصل آن کتاب‌ها و مقالاتی است که اهدای جنین را از لحاظ حکم فقهی و حقوقی مورد بررسی قرار داده‌اند؛ ولی درخصوص بررسی آثار تکلیفی آن، مخصوصاً حضانت و نفقه، سکوت کرده‌اند. برخی از این آثار بدین شرح است:

الف. احکام وضعی کودکان ناشی از اهدای گامت در رابطه با توارث؛ ب. حقوق و تکالیف فرزندان ناشی از جنین‌اهدایی؛ ج. باروری با تخمک‌اهدایی و بررسی مشروعیت و آثار آن در فقه اسلامی؛ د. بررسی فقهی و حقوقی حق توارث فرزندان متولد از اهدای جنین.

در پژوهش‌های ذکرشده، اولاً موضوع آثار تکلیفی اهدای جنین به صورت استقلالی و ثانیاً با نگاه به منابع شیعی، بررسی نشده است؛ بنابراین در چنین مسئله مهمی، باید دیدگاه فقه تشیع را مشخص کرد. آثار تکلیفی ناشی از اهدای جنین، در این سؤال خلاصه می‌شود که روابط طرفینی جنین با اهداشوندگان، مثل روابط فرزندان عادی با والدینشان است؟ این موضوع باید مورد بررسی دقیق فقهی قرار گیرد تا دغدغه زوج مسلمان نابارور پاسخ داده شود و دقیقاً هدف این مقاله، پاسخ به این سؤال و دغدغه است. به همین منظور، آثار تکلیفی اهدای جنین برشمرده شده و ذیل هر کدام، با مراجعه به منابع فقه شیعی، اقوال مرتبط یا نزدیک به هر یک تبیین و تحلیل شده است.

۲. روش‌شناسی

پژوهش حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی و با استناد به روش کتابخانه‌ای تدوین شده است. کلیدواژه‌های جنین، اهدا، نفقه، حضانت و ارث در روایات و عبارات فقهای شیعه بررسی و مورد تحلیل و واکاوی دقیق براساس معیارهای فقهی - اصولی قرار گرفته است. نکته قابل توجه به‌عنوان بدیع بودن این اثر، این است که تلاش شده تا مطابق دغدغه‌های ذهنی گیرندگان جنین اهدایی، دیدگاه فقه شیعه تبیین گردد.

۳. یافته‌ها

حکم تکلیفی در ارتباط مستقیم با فعل مکلف قرار دارد، به خلاف احکام وضعی (معین، ۱۳۶۳، ص ۱۴۸) که غالباً موضوع احکام تکلیفی قرار می‌گیرند (عمید، ۱۳۷۵، ص ۱۰۸۲). لازم به ذکر است که اصل موضوع این پژوهش، انتساب جنین اهدایی به صاحبان اسپرم و تخمک است (اصل موضوع یعنی قضایایی که درستی آنها بدون استدلال مسلم است و مبنای استنتاج قضایای دیگر قرار می‌گیرد). مستندات فقهی این مسئله در مقاله بررسی و تحلیل انتساب جنین اهداشده براساس مکتب امامیه مورد بررسی دقیق قرار گرفته است (ر. ک. سلطانیه، ۱۴۰۰، ص ۷۶). ارتباط جنین با گیرندگان اهدایی از حیث محرمیت، حرمت نکاح و ولایت به‌عنوان آثار وضعی و نفقه، حضانت و ارث به‌عنوان آثار تکلیفی باید از طریق قواعد دیگری

مثل قاعده اولویت در رضاع، که محل بحث این پژوهش نیست، حاصل گردد. انتساب فرزند به شوهر که از اسپرم او تلقیح صورت گرفته، قطعی است. بر همین اساس، ارث شوهر به فرزند تعلق می‌گیرد و به عبارتی تمام حقوق و تکالیف بین فرزند و پدر برقرار می‌شود؛ اما نکته مهم این است که رابطه فرزند حاصل‌شده با اهداکننده تخمک و زن اهداگیرنده تخمک چگونه است؟ یکی از نخستین سؤالاتی که در ذهن متبادر می‌شود، این است که آیا تحقق ارث بین طفل و زن و شوهر اهداشونده امکان‌پذیر است؟ از آنجایی که قواعد، اصرار به الحاق کودک به صاحبان جنین دارد و با توجه به امر محرمانه بودن این فرآیند، تکلیف ارث جنین کودکانی در آینده چگونه خواهد بود؟ به عبارتی آیا اعراض اهداکنندگان از جنین مانع تحقق آثار تکلیفی اهدا بین جنین و اهداکنندگان خواهد شد؟ از طرف دیگر، جنین منتسب به اهداکنندگان است؛ پس آیا نفقه، حضانت و ارث بین جنین و گیرندگان اهدا برقرار می‌شود؟ اگر هم اهدا را غیرمحرمانه بدانیم، مشکلات دیگری را به دنبال خواهد داشت که اگر کودک بداند پدر و مادری که با آنها زندگی می‌کند، پدر و مادر واقعی او نیستند، تربیت کودک به‌ویژه در سنین نوجوانی و جوانی اختلال پیدا خواهد کرد؛ زیرا کودک، گیرندگان را پدر و مادر خود نخواهد دانست و تبعیت از آنان را وظیفه خود تلقی نخواهد کرد. البته مقصود، عدم اعلام به کودک نیست؛ بلکه بیان مخاطره‌های آن است تا با برنامه‌ریزی درست قابل جبران باشد و گر نه اطلاع کودک از هویت خویش جزء حقوق او به حساب می‌آید. بیان این نکته هم لازم است که مقنن معمولاً برای موارد غالب، قانون وضع می‌کند و با موارد استثنایی نمی‌توان قاعده را بر هم زد (جعفری و شعبانی، ۱۳۹۹، ص ۲۴۵).

۴. نفقه

نفقه فرزند بر پدرش واجب است و در صورتی که پدر فوت کرده باشد یا قادر به پرداخت نفقه آنان نباشد، نفقه بر جد پدری واجب می‌شود و با نبود یا فقر او، بر جد مادری واجب می‌شود و همچنین به‌طور الاقرب فالاقرب، بالاتر می‌رود و با نبود یا عدم توانایی آنها، بر مادر فرزند واجب می‌گردد (موسوی خمینی، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۳۱۳). البته نفقه اولاد تا وقتی که نتوانند خود را اداره کنند، بر پدر واجب است (همان، ج ۳، ص ۲۳۴). در طرف مقابل هم، نفقه پدر و مادر نیازمند بر فرزندان واجب است و در صورت نبود فرزندان یا ناتوانی آنها،

بر نوادگان واجب می‌شود (همو، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۳۲۲). در محل بحث، چون نسب کودک ناشی از اهدای جنین، به صاحب اسپرم برمی‌گردد، نفقه وی هم بر عهده صاحب اسپرم است و در صورت فوت وی، بر عهده جد پدری صاحب اسپرم است. اما اگر جد پدری هم نباشد یا هر دو قادر به پرداخت نفقه نباشند، نفقه بر عهده صاحب تخمک است. البته برخی از فقها در فرض قرار دادن جنین در رحم جایگزین، طفل مزبور را صاحب دو مادر می‌دانند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۲، ص ۲۶۹)؛ صاحب تخمک، مادر اول و صاحب رحم که حاملگی و زایمان در او رخ می‌دهد، مادر دوم کودک به حساب می‌آیند. به عبارتی هر دو، مادر مشروع و نسبت کودک به هر دو صحیح است (خطیب، ۱۴۱۸ ق، ص ۱۰۵۲). بنابراین نفقه بر عهده هر دو خواهد بود.

اگرچه فرزند نامشروع حق برخورداری از نفقه را ندارد (حلی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲، ص ۱۷۶)، فرزند حاصل از جنین اهدایی، فرزند نامشروع نیست؛ چون تعریف زنا بر این نوع انتقال صادق نیست. عنوان زنا از مفاهیم و موضوعات عرفی است که در مورد آن، حقیقت شرعیه و تأسیس جدیدی ثابت نشده است (رضانیا معلم، ۱۳۸۳، ص ۲۱۵)؛ البته امام خمینی^(ره) نفقه ولد زنا را هم بر پدرش (زانی) لازم دانسته است؛ چون عنوان والد بر او صادق است (کریمی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۳۵) و از طرفی یکی از آثار نسب، پرداخت نفقه توسط پدر و مادر یا یکی از آنها (در صورت استطاعت یکی و عدم بضاعت دیگری) است. در مقابل این سؤال که آیا تکالیف مذکور نیز یک تکلیف متقابل است یا فقط زوجین گیرنده جنین مکلف به پرداخت نفقه‌اند، باید گفت: به دلیل نبود نسب بین گیرندگان جنین و طفل متولدشده از این طریق و وجود رابطه نسبی بین صاحبان اسپرم و تخمک تشکیل‌دهنده جنین و طفل و استفاده قانون گذار از کلمه «نظایر» در ماده ۳ قانون نحوه اهدای جنین^۱، تنها باید حکم به تکلیف یک‌طرفه پدر و مادر داد. سرایت این تکلیف به پدر و جد پدری در صورت فوت پدر یا عدم قدرت او بر انفاق، یا اجداد و جدات مادری و جدات پدری در صورت زنده نبودن مادر یا عدم قدرت او بر آن انفاق، همان‌گونه که در ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی مقرر گردیده است نیز، بعید به نظر

۱. ماده ۳: وظایف و تکالیف زوجین اهداگیرنده جنین و طفل متولدشده از لحاظ نگهداری، نفقه و احترام، نظیر وظایف و تکالیف اولاد، پدر و مادر است.

می‌رسد (صادقی مقدم، ۱۳۸۵، ص ۱۸۵). بنابراین این ماده در این بعد، دارای نقص است که به پرداخت نفقه پدر و مادر گیرنده اهدا که بعد از دریافت جنین معسر شده‌اند، توسط فرزند حاصل از جنین اهدایی اشاره نشده است. چون قانون‌گذار درصدد حل معضل بی‌فرزندگی زوجین نابارور و تلاش برای حفظ کانون این خانواده است، بنابراین باید براساس مبانی صحیح فقهی، راهکارهای آن را نیز تأمین کند.

۵. حضانت

حضانت هم حق و هم تکلیف والدین است. حال اگر اقدام به حضانت و سرپرستی کودک از طریق والدین یا هر دو متعذر گردید، شرع و قانون، تکلیف را در وهله اول به عهده پدر و در صورت فوت پدر یا عدم توانایی او در پرداخت هزینه‌ها، به عهده مادر گذاشته است. براساس قواعد گفته‌شده و با توجه به انتساب این کودک به صاحبان اسپرم و تخمک، حق‌الحضانه نیز بر عهده آنان خواهد بود و گیرندگان در این خصوص وظیفه‌ای ندارند؛ اما قانون‌گذار حسب مصالح و برای حفظ و نگهداری این فرزند، گیرندگان اهدا را نیز موظف به حمایت و حضانت کرده است. گفته شد که ماده سوم قانون نحوه اهدای جنین به سه وظیفه زوجین اهداگیرنده اشاره کرده که یکی از آنها، حق حضانت است. ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی نگهداری اطفال را تکلیف پدر و مادر دانسته و در عین حال، حقی برای آنها تلقی کرده است (حق‌الحضانه). بر مبنای همین ماده و نیز ماده سوم قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور، همین حق و تکلیف بر زوجین اهداگیرنده نیز ثابت می‌شود و علاوه بر این، ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی نیز که در صورت جدا زندگی کردن زوجین، مادر را تا هفت سالگی برای حضانت در اولویت دانسته است، بر این موضوع تأکید دارد. بنابراین ماده سوم جهت حضانت دارای نقص نمی‌باشد.

۶. ارث

اگر انتساب مشروع بین نوزاد حاصل از اهدای جنین با گیرندگان برقرار شود، این نوزاد از

پدر و مادر اهدایی خود، در صورت فوت آنها ارث خواهد برد و بالعکس. پدر، مادر، اولاد، اولاد اولاد، اجداد، جدات، برادر و خواهر و اولاد آنها، عمات، احوال و خالات و اولاد آنها، به ترتیب اقریبیت کسانی اند که ممکن است بین آنها و نوزاد حاصل از اهدای جنین، توارث شکل گیرد (صمدی اهری، ۱۳۸۹، ص ۷۹). توارث بین کودک متولدشده از اهدای جنین و والدین وی، در دو مقوله جداگانه باید بررسی شود:

۱-۶. رابطه کودک با پدر و جد پدری

رابطه کودک با صاحب اسپرم از جهت بیولوژی و خونی حتمی است و چون نسب موجب ارث می‌باشد و این نسب بین طرفین برقرار است، پس توارث بین آنها هم برقرار است. قابل ذکر است که یکی از موانع ارث، ولادت ناشی از زنا می‌باشد (همان، ص ۱۴۴). این مانع همچنان‌که گفته شد، در محل بحث وجود ندارد؛ چون تولد فرزند از طریق اهدای جنین از مصادیق زنا به حساب نمی‌آید. اما این رابطه با زوج دریافت‌کننده اهدا برقرار نمی‌شود و قانون‌گذار هم در ماده سوم، اشاره‌ای به این حق طرفینی نکرده است و خلأ کاملی در این حوزه دیده می‌شود.

۲-۶. رابطه کودک با زن صاحب تخمک (یا صاحب رحم)

در این حالت، بین اینکه جنین در رحم صاحب تخمک یا رحم استیجاری پرورش یافته باشد، تفاوتی وجود دارد. اگر زن صاحب رحم، مادر تلقی شود، رابطه توارث بین این کودک و زن و بستگان زن برقرار می‌شود. اما اگر زن صاحب تخمک، مادر کودک باشد، توارث بین آنها برقرار می‌شود و توارث با صاحب رحم، تحقق پیدا نخواهد کرد. بنابراین چون نسب کودک با صاحب اسپرم و تخمک تحقق پیدا می‌کند، باید فرزند حاصل از اهدای جنین از صاحبان اسپرم و تخمک ارث ببرد؛ در نتیجه اگر صاحبان اسپرم و تخمک فوت کنند و ورثه اهداکننده جنین از تشکیل جنین از نطفه مورث اطلاع داشته باشند، در صورت دسترسی به وی باید سهم او را نیز پرداخت نمایند و در صورت عدم دسترسی با استصحاب حیات او، باید سهم او را کنار بگذارند. اما چون معمولاً چنین فرزندان از جنین‌های نگهداری شده در بانک‌های جنین آن هم به صورت محرمانه منتقل می‌شوند (ماده سوم آیین‌نامه اجرایی قانون

نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور)^۱، معمولاً دسترسی به صاحبان جنین سخت می‌باشد و لذا ممکن است از این بابت در حق فرزند حاصل‌شده (که از زن صاحب رحم و شوهر او ارث نمی‌برد) ظلمی ایجاد شود؛ بنابراین در این رابطه بهتر است تمهیداتی اندیشیده شود تا نسبت به تأمین آتیۀ مالی فرزندان متولد از طریق اهدای جنین، اقداماتی صورت گیرد (شاهیوان، ۱۳۹۱، ص ۲۱۴).

در این راستا، می‌توان به راهکارهایی چون وصیت به نفع جنین یا استفاده از راه‌حل‌های صنعت بیمه یا سایر راه‌حل‌های قراردادی اشاره نمود که بهتر است قانون‌گذار در اصلاحات آینده قانون اهدای جنین مد نظر قرار دهد. البته در استحقاق ارث فرزند از والدین، شرط است که نطفه فرزند در زمان زوجیت والدین منعقد شده باشد یا حمل حین‌الموت منعقد شده باشد و زنده هم متولد شود (قانون مدنی، ماده ۹۵۶).

یافته‌های پژوهش

از جمله اموری که به تبع دستیابی به روش‌های نوین درمان ناباروری باید مورد بررسی قرار گیرد، موضوع مهم تحلیل آثار تکلیفی اهدای جنین آن هم بر مبنای فقهی تشیع است. تعیین نفقه، حضانت و تعیین وضعیت توارث کودک حاصل از این روش تلقیحی از اهم موارد این موضوع است؛ بر این مبنا که نسب این کودک به صاحبان اسپرم و تخمک برمی‌گردد و کلیه آثار تکلیفی اهدای جنین نیز متأثر از این اصل کلی خواهد بود. البته باید یک نکته مهم مورد دقت واقع شود که در این فرض، گیرندگان اهدا به چه امیدی وقت، هزینه، استرس‌های شدید اجتماعی و خانوادگی را تحمل کنند. البته این خواسته تا زمانی که با معیارهای شرعی در تضاد نباشد، قابل ارزش‌گذاری است؛ تا آنجا که برخی از آثار وضعی و حتی تکلیفی را با اولویت در رضاع و حتی خود رضاع نیز می‌توان حل کرد (غیر همسو با باروری با تخمک اهدایی و بررسی مشروعیت و آثار آن در فقه اسلامی) (نظری توکلی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۲).

۱. ماده ۳: اهدای جنین باید با موافقت و رضایت کتبی زوج‌های اهداکننده و در مراکز مجاز تخصصی درمان ناباروری با احراز هویت آنان و به صورت محرمانه انجام گیرد.

بنابراین با توجه به انتساب کودک به اهداکنندگان، نفقه کودک نیز با صاحب اسپرم و دیگر مراتب موجود حسب قواعد است؛ انتقال نفقه به صاحب تخمک و حسب برخی نظرات، به صاحب رحم نیز ممکن است. حضانت کودک نیز طبق قاعده بر عهده صاحبان نطفه است که البته قانون‌گذار تدابیری را برای رفع مشکلات کودک اندیشیده است تا گیرندگان اهدا نیز به وظیفه حمایتی خود عمل نمایند (همسو با حقوق و تکالیف فرزندان ناشی از جنین اهدایی) (صمدی اهری، ۱۳۹۱، ص ۱۲۳).

در خصوص توارث بین آنها نیز باید گفت که ارث بین دو نفر به دلیل وجود رابطه نسبی یا سببی محقق می‌شود و چون رابطه نسبی بین کودک و گیرندگان اهدا وجود ندارد، از یکدیگر ارث هم نمی‌برند. البته مانعیت وجود زنا یا آثار متناظر با آن در محل بحث نیز قابل اتکا نیست و ماهیت اهدای تخمک با زنا کاملاً متفاوت است (غیرهمسو با احکام وضعی کودکان ناشی از اهدای گامت در رابطه با توارث) (قبله‌ای خویی، ۱۳۸۵، ص ۱۳)؛ اما با توجه به محرمانه بودن اهدای جنین و ناشناس بودن اهداکنندگان، کودک از حق خود محروم می‌شود. بنابراین در صورت علم مورثان صاحبان نطفه، باید سهم این کودک کنار گذاشته شود و در صورت جهل آنان به موضوع، قانون‌گذار تدبیری اندیشیده است تا حق کودک از اموال گیرندگان اهدا، آن هم به صورت وصیت قبل از فوت استیفا گردد (همسو با بررسی فقهی حقوقی حق توارث فرزندان متولد از اهدای جنین) (مهدوی کنی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۲۱). براساس دلایل اشاره شده در مقاله که مهم‌ترین آن، انتساب واقعی جنین به صاحبان اسپرم و تخمک است و انتساب به گیرندگان اهدا باید از طریق قواعد ثانوی مثل رضاع یا اولویت محقق شود، بنابراین پیشنهاد می‌شود ماده سوم قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور بدین صورت تغییر یابد: «تمامی وظایف و تکالیف طرفینی فرزند و پدر و مادر، بین زوجین گیرنده جنین اهدایی و فرزند متولد شده از این طریق مثل نگهداری، نفقه، احترام و ارث وجود دارد».

محدودیت‌های پژوهش

با توجه به محدودیت‌هایی که از جهت حجم در مقالات علمی - پژوهشی وجود دارد، مؤلف نتوانست به صورت مبسوط این موضوع جدید را موشکافی کند. علاوه بر این، بدیع بودن

موضوع، کمبود منابع دست اول و در نتیجه عدم ورود فقهای سلف به این موضوع، محدودیت‌های بعدی به حساب می‌آیند.

پیشنهاد‌های پژوهش

زوایای پنهانی که از نگاه نگارنده لازم است بر روی آن تمرکز شود تا جامعه اسلامی با مشکلات بعدی این مسئله روبرو نگردد و حتی قوانین و مقررات مناسب در این مورد وضع شود، بدین قرار است:

۱. بررسی اجتهادی حکم اهدای جنین براساس فقه شیعی؛
 ۲. بررسی دیگر روش‌های تلقیح مصنوعی مثل اهدای اسپرم، اهدای تخمک، اهدای گامت، رحم جایگزین و ... لازم به نظر می‌آید.
- دقت در این موضوعات بسیار لازم است؛ زیرا عناوین مسائل مستحدثه طابق النعل بالنعل در آیات و روایات ما وجود ندارد. محقق باید اولاً ذات و استلزامات این موضوعات را به صورت کامل بشناسد و ثانیاً عناوین مشابه و باب‌های هم‌مرز فقه را با این موضوعات تطبیق دهد تا بتواند به نتیجه درست دست پیدا کند.

سپاس‌گزاری

مؤلف مقاله از همه کسانی که در به ثمر رسیدن این پژوهش سهیم بودند، کمال تشکر و قدردانی را دارد؛ مخصوصاً از کتابخانه غنی آستان قدس رضوی برای در اختیار گذاشتن منابع لازم، سپاس‌گزاری می‌کند.

منابع

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر، چاپ سوم.
- جعفری، علی و شعبانی، فاطمه (۱۳۹۹). «واکاوی جواز تعیین شرط عدم استیلا در نکاح». *دوفصنامه علمی فقه و حقوق خانواده*، ۲۵(۷۳)، ص ۲۳۷ - ۲۶۰.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸). *ترمیم‌ولوژی حقوق*. تهران: گنج دانش، چاپ دهم.

- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۲). *روش‌های نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق*. تهران: پژوهشکده ابن سینا و سمت، چاپ دوم.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۴). *اهدای گامت و جنین در درمان ناباروری*. تهران: سمت، چاپ اول.
- خطیب، یحیی عبدالرحمن (۱۴۱۸ ق). *احکام المراه الحامل فی الشریعه الاسلامیه*. عمان: دارالنفائس.
- حلی، جعفر بن الحسن (۱۴۰۹ ق). *شرایع الاسلام*. قم: استقلال، چاپ دوم.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). *لغتنامه دهخدا*. تهران: روزنه.
- رضایا معلم، محمدرضا (۱۳۸۳). *باروری‌های پزشکی از دیدگاه فقه و حقوق*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمی قم، چاپ اول.
- سلطانی، محمد (۱۴۰۰). «بررسی و تحلیل انتساب جنین اهداشده براساس مکتب امامیه». *مجله پژوهش در دین و سلامت*، ۷(۴)، ص ۱۰۳ - ۱۱۳.
- شاهویان، فاطمه (۱۳۹۱). *خرید و فروش اسپرم از دیدگاه فقه امامی*. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- صادقی مقدم، محمدحسن (۱۳۸۵). «مبانی فقهی و بایسته‌های قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور، اهدای گامت و جنین در درمان ناباروری». *نامه مفید*، ۱۰(۴۶)، ص ۳۱ - ۶۰.
- صمدی اهری، محمدهاشم (۱۳۹۱). «حقوق و تکالیف فرزندان ناشی از جنین اهدایی». *فصلنامه علمی تحقیقات حقوقی آزاد*، ۵(۱۸)، ص ۱۱۳ - ۱۳۸.
- _____ (۱۳۸۹). *نسب ناشی از لقاح مصنوعی در حقوق ایران و اسلام*. تهران: چاپ احمدی.
- عاملی، زین‌الدین بن علی (۱۳۶۵). *الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقی*. نجف: مکتبه الداوری.
- عمید، حسن (۱۳۷۵). *فرهنگ عمید*. تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ دوازدهم.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۳۹۶). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، تهران: طلبه نور.
- قبله‌ای خویی، خلیل (۱۳۸۵). *بررسی احکام وضعی کودکان ناشی از اهدای گامت در رابطه با توارث*. تهران: پژوهشکده ابن سینا و مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- کریمی، حسین (۱۳۶۵). *موازن قضایی از دیدگاه امام خمینی*. تهران: شکوری.
- معلوف، لویس (۱۳۸۲). *المنجد*. تهران: اسلامی.
- معین، محمد (۱۳۶۳). *فرهنگ فارسی*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۹۶). *استفتائات*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____ (۱۳۷۹). *تحریر الوسیله*. قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم، چاپ دوم.

- مهدوی کنی، صدیقه؛ ذبیحی بیدگلی، عاطفه و حمزه‌خانی سمیه (۱۳۹۴). «بررسی فقهی حق توارث فرزندان متولد از اهدای جنین». فصلنامه فقه پزشکی، ۷(۲۴ و ۲۵)، ص ۱۰۱ - ۱۳۲.
- نظری توکلی، سعید (۱۳۹۳). «باروری با تخمک اهدایی و بررسی مشروعیت و آثار آن در فقه اسلامی». فصلنامه فقه پزشکی، ۶(۲۰ و ۲۱)، ص ۱۲۱ - ۱۳۹.